



مطالعه تطبیقی جنایت‌های علیه بشریت در حقوق ایران و میانمار (با تکیه بر جرم‌انگاری آن در قواعد فقه)

سجاد رحمتی ترکاشوند^۱

جمال بیگی^{۲*}

بابک پور قهرمانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

چکیده

یکی از اهداف جرم‌انگاری جنایت‌های علیه بشریت، حمایت از حقوق بشر بوده و جرایمی را شامل می‌شود که ناقض ارزش‌های بشری و قواعد بین‌المللی می‌باشند، علت جرم‌انگاری آن، حمایت کیفری بین‌المللی از منافع جامعه، توجه به اصول حقوقی و صیانت از حق حیات و حق آزادی می‌باشد، که به عنوان نخستین حقوق بنیادین بشر نیز مورد توجه و احترام جامعه بین‌المللی نیز قرار گرفته است. سازمان‌های بین‌المللی به منظور مقابله با آن، اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری را تدوین نموده‌اند تا در قبال جنایت‌های ارتكابی ضمانت اجرایی وجود داشته باشد. بیشتر دولت‌ها، این جنایت‌ها را در قوانین کیفری خود جرم‌انگاری کرده‌اند، با این حال در قوانین جزایی کشور میانمار پیش‌بینی نشده ولی مصادیق جنایت‌های علیه بشریت در آن احصاء شده است. در قانون جزای ایران نیز به صورت مستقل در این مورد جرم‌انگاری صورت نگرفته و مرتکب جنایت‌های علیه بشریت را مطابق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مورد تعقیب قرار می‌دهند، به همین خاطر این مقاله به دنبال بررسی جنایت‌های علیه بشریت در حقوق جزای میانمار و لزوم جرم‌انگاری آن با استناد به قواعد فقه، مانند قاعده لاضرر، نفی سبیل، و دفع ضرر محتمل بوده، و روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی و گردآوری اطلاعات نیز به صورت فیشبرداری می‌باشد. نحوه انجام پژوهش کیفی بوده و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است، در قانون ایران و میانمار مصادیق جنایت‌های علیه بشریت شامل؛ قتل، تجاوز جنسی، بازداشت غیر قانونی، و شکنجه مورد

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

sajadrahmati59@yahoo.com

^۲ دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول):

jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. pourghahramani@iau-maragheh.ac.ir

جرم‌انگاری قرار گرفته است و تا کنون جرم مستقلی تحت عنوان جنایت علیه بشریت در قوانین کیفری وجود ندارد و نیازمند قانون‌گذاری مستقلی با استناد به قواعد فقه می‌باشد.

واژگان کلیدی: جنایت علیه بشریت، جرم‌انگاری، قاعده فقهی، مقررات کیفری ایران، مقررات کیفری میانمار.

۱- مقدمه

در طول تاریخ تا کنون جنایت‌های زیادی رخ داده است، یکی از قدیمی‌ترین قوانین حقوق بشری که مرتبط با رعایت حقوق شهروندی و حقوق بشر بوده منشور حقوق شهروندی کوروش می‌باشد، بنابراین رعایت این مهم از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، و از جنایت‌هایی که سابقه‌ای به درازای عمر انسان دارد جنایت علیه بشریت است.

جنایت علیه بشریت بخشی از قواعد آمره حقوق بین‌المللی بوده و قوانین ابطال‌ناپذیر حقوق بین‌الملل را شکل می‌دهد (سجاد پور و ملکی، ۱۳۹۸: ۱۱) این جنایت توسط یک دولت و یا سازمان‌هایی که دسترسی به قدرت سیاسی دارند طراحی و به صورت یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد هر جمعیت غیر نظامی ارتکاب می‌یابد. (میر وحیدی و فخار حسینی، ۱۳۹۶: ۱۳) جنایت‌های علیه بشریت یکی از جنایت‌هایی است که دولت میانمار علیه مسلمانان مرتکب آن می‌شود، می‌توان قاطعانه گفت جنایت علیه بشریت، شامل تبعید و انتقال اجباری مسلمانان میانمار به صورت گسترده صورت گرفته است و منجر به تغییر آرایش قومی ایالت آرکان در کشور میانمار شده است (روستایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۸). ضمانت اجرای جرایم و جنایت در تمامی قوانین، کشورها و در عرصه بین‌الملل مجازات است، یکی از قوانین تعیین کننده مجازات حقوق کیفری است. این مجازات و کیفر است که حقوق جزا را به رشته‌ای سرکوبگر، در مقابل سایر گرایش‌ها تبدیل کرده است. از آن‌جا که این ابزار تنها در اختیار حاکمیت است، حقوق جزا را شاخه‌ای از حقوق عمومی دانسته‌اند، حقوق کیفری تنها وسیله مناسب برای حفظ ارزش‌ها نیست، حقوق کیفری تنها زمانی به کار گرفته می‌شود که، اقامه‌ی دعوی مدنی، راه‌های اداری و ضمانت اجراهای غیر کیفری کارایی نداشته باشد، از همین رو مجازات آخرین راه حل می‌باشد (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۴)

بشر همواره با قانونگذاری کیفری به دنبال برقراری نظم و امنیت و حفظ حقوق بشر بوده بنابراین با نقض قوانین کیفری، عکس العمل کیفری وجود دارد و مرتکبان جرایم و جنایت باید مجازات شوند براین اساس پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سوال اصلی است که با توجه به

اهمیت جنایت‌های علیه بشریت در کشور میانمار، نظام حقوقی کشور میانمار و کشور ایران را از لحاظ پیش‌بینی و پیش‌گیری، قوانین و قواعد جزایی با استناد به قواعد فقه را برای مجازات مرتکبان جنایت علیه بشریت و نگاهی به ارکان و مصادیق آن را مورد بررسی قرار داده است.

۲- پیشینه تحقیق

رحمتی ترکاشوند، بیگی و پورقهرمانی (۱۴۰۱)، در مقاله خود تحت عنوان «جنایت‌های ارتكابی در میانمار، رهیافت‌های منطقه‌ای با تکیه بر اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری» به بررسی راهکار منطقه‌ای با تکیه بر اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری پرداخته است.

رحمتی ترکاشوند، بیگی و پورقهرمانی (۱۴۰۱)، در مقاله خود تحت عنوان «تأثیر جنایت‌های ارتكابی در میانمار بر بی‌ثباتی اقتصادی کشورها» به بررسی تأثیر جنایت‌های ارتكابی در میانمار و مصادیق آن اشاره نموده.

رحمتی ترکاشوند، بیگی و پورقهرمانی (۱۴۰۱)، در مقاله خود تحت عنوان «مطالعه فقهی و حقوقی جنایت‌های ارتكابی در میانمار» به بررسی جنایت‌های ارتكابی در میانمار و مصادیق آن اشاره نموده.

صالحی (۱۴۰۰)، در مقاله خود تحت عنوان «وضعیت میانمار در پرتو اصل صلاحیت سرزمینی عینی»، چنین بیان میکند که رسیدگی به وضعیت میانمار در دیوان کیفری بدون در نظر گرفتن عضویت آن در اساسنامه با ارجاع وضعیت مجرمانه دولت غیر عضو دیوان کیفری از سوی شورای امنیت برای تحقق صلح قابل مقایسه است.

قریشی و نیکوخواه سرنقی (۱۳۹۷)، در مقاله خود تحت عنوان «نقض حقوق بشر در خصوص مسلمانان میانمار با تأکید بر کنوانسیون منع مجازات و کشتار دسته جمعی (ژنوساید)»، چنین گفته که مسلمانان میانمار از قرن‌ها قبل در سرزمین میانمار سکونت داشته اند و در کنار سایر ادیان از جمله بودائیان زندگی کرده اند اما با به قدرت رسیدن بودائیان اقدامات نسل کشی و جنایت علیه بشریت و نقض فاحش حقوق اولیه آنان اتفاق افتاده است و با توجه به اینکه دولت میانمار عضو دادگاه بین‌المللی کیفری نبوده و صلاحیتش را نپذیرفته است ادعای ارتكاب نسل زدایی قابل در در دیوان نمی باشد.

رحمتی و میرمحمد صادقی (۱۳۹۸)، در مقاله خود تحت عنوان «امکان سنجی تعقیب و محاکمه مرتکبان جنایت‌های اخیر در میانمار در عرصه ملی و بین‌المللی»، چنین گفته که اوج

ارتکاب جنایت‌های دهشتناک علیه مسلمانان روهینگیا اخیراً تحت حمایت دولت میانمار و به ویژه نیروهای نظامی و امنیتی این کشور صورت گرفته.

روستایی (۱۳۹۵)، در مقاله خود تحت عنوان «پاکسازی قومی مسلمانان میانمار؛ جنایت‌های علیه بشریت یا نسل زدایی»، بیان نموده که نسل‌های مختلف مسلمانان روهینگیا مکرر آواره سازی اجباری را تحمل کرده‌اند و همچنین بیان می‌کند چنانچه که آواره سازی اجباری همراه با خشونت و از بین رفتن باشد جنایت نسل زدایی محسوب می‌شود.

بزرگمهری و کیارستمی (۱۳۹۶)، در مقاله خود تحت عنوان «نقض حقوق بشر به واسطه اقدامات تروریستی و سازو کار مبارزه آن»، چنین گفته که بدون تردید قوانین ضد تروریست تأثیرات عمیقی بر حقوق و آزادی‌های فردی از جمله، حق دادرسی منصفانه، حق عدم بازداشت خودسرانه، رهایی از شکنجه و رفتار و یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده، حق آزادی بیان، حق برخورداری از زندگی خصوصی، حق عدم تبعیض، حق اصلاح و بهبود موثر برای نقض حقوق بشر دارد، لذا نمی‌توان و نباید احترام به حقوق بشر را در هیچ شرایط و اوضاع و احوالی مانعی برای مبارزه علیه تروریسم دانست.

دانش شهرکی (۱۳۹۸)، در مقاله خود تحت عنوان «ماهیت حقوقی جنایت‌های ارتكابی بر مسلمانان فراموش شده میانمار»، چنین بیان میکند که اگر فردی موارد پنج گانه جنایت نسل کشی را بیان کند ولی قصد نابودی گروه‌های مورد حمایت کنوانسیون را نداشته باشد عمل او نسل زدایی نیست، چرا که یکی از ارکان مهم جنایت نسل زدایی قصد مجرمانه است که در جنایت موصوف باید قصد نابودی گروه قومی یا مذهبی را داشته باشد.

بعد از بررسی پیشینه پژوهش مشخص شد که پژوهشگران متعددی در زمینه جنایت‌های علیه بشریت در میانمار پژوهش‌هایی را به رشته تحریر درآورده‌اند، ولی هیچ کدام از آنها به مطالعه تطبیقی آن با حقوق ایران و لزوم جرم‌انگاری آن با استناد به قواعد فقهیه توجهی نداشته‌اند و این همان نقطه تمایز پژوهش‌های پیشین با نوشتار حاضر بوده و نگارندگان سعی داشته‌اند در این نوشتار، قدمی نو در این عرصه بردارند، بنابراین ضمن مطالعه تطبیقی جنایت‌های ارتكابی در میانمار و حقوق ایران، اقدام به مطالعه مصادیق جنایت‌های علیه بشریت در قانون هر دو کشور نموده و لزوم جرم‌انگاری آن در قانون هر دو کشور با استناد به قواعد فقهیه مورد بررسی قرار گرفته است، از آنجایی که یکی از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین قواعدی که به حقوق بشر و مسلمانان اهمیت بسزایی می‌دهد قواعد فقهیه می‌باشد که مورد توجه قرار گرفته است و

جرم‌انگاری جنایت‌های علیه بشریت نه تنها در قانون میانمار بلکه در تمام قوانین کشورها می‌تواند ضمانت اجرای محکمی در راستای پیشگیری و مجازات عاملان این جنایت‌ها باشد.

۳- مفهوم شناسی نظری

در این قسمت از پژوهش به بررسی مفاهیم متغیر و وابسته تحقیق می‌پردازیم.

۳-۱- مفهوم جنایت علیه بشریت

جرم جنایت بر ضد بشریت، مجموعه اعمال و افعالی است که در قالب «حمله و بر ضد یک جمعیت غیر نظامی» و به صورت «گسترده» و «سازمان یافته» و عالماً و عامداً صورت گیرد. حمله اعم است از حمله نظامی و غیر نظامی. منظور از جمعیت غیر نظامی نیز افرادی است که نظامی محسوب نمی‌شوند یا اگر نظامی هستند در مخاصمات مسلحانه شرکت ندارند. منظور از گستردگی این است که حمله به صورت وسیع و علیه عده قابل توجهی از مردم غیر نظامی صورت گیرد. منظور از سازمان‌یافتگی نیز این است که حمله براساس یک «برنامه تنظیم شده» و برای رسیدن به «هدف خاصی» انجام شود، جنایت علیه بشریت شامل تهدید نسبت به صلح، امنیت و رفاه جهان طی یک حمله نظام‌مند یا گسترده به حقوق بنیادین بشری یک جمعیت غیر نظامی می‌باشد (ساعد، ۱۳۸۷: ۶۵).

۳-۲- مفهوم شناسی قواعد فقه

آن دسته از احکامی کلی یا حکم اکثری که در ابواب گوناگون فقهی جریان داشته و منشاء استنباط احکام جزئی قرار می‌گیرد قواعد فقهیه نامیده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۳) به عبارت دیگر، قواعد فقهیه به احکام عامی اطلاق می‌شود که به تمامی مسائل و ابواب فقهی مربوط می‌شود (یثربی و محمودی، ۱۳۷۰: ۱۰۶) یعنی طیف وسیعی از موضوعات فقهی را در بر می‌گیرند (گلی شیردار و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۱) البته کیفیت استخراج و استنباط این قواعد متفاوت می‌باشد. (حسینی بوشهری، ۱۳۹۷، ص. ۵۳) گاه این قواعد از نص صریح آیه و روایت (عزیزالهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۴)، گاه از تعلیل وارد در نظر شرعی (بجنوردی، ۱۶۱۹: ۱۵۵) و گاه به واسطه عقل (نجفی، ۱۴۰۱: ۱۳۰) استنباط می‌شوند. به کمک این قواعد و احکام شرعی استنباط شده توسط فقیه و مجتهد جامع الشرایط، قانون‌گذار نسبت به جرم‌انگاری فعل یا ترک فعلی اقدام می‌کند. (عمانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۱)

۳-۳- جرم‌انگاری

جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند (نجفی توانا؛ مصطفی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۹). بنابراین جرم‌انگاری فرایندی است که طی آن «رفتارها و افراد به ترتیب مجرمانه و مجرم قلمداد می‌شوند» و اقدامات سابقاً قانونی ممکن است با قانون‌گذاری یا تصمیم قضایی، مجرمانه محسوب شوند.

۴- خاستگاه جنایت‌های علیه بشریت در میانمار

خسونت‌ها و جنایت‌های ارتكابی بر روی مسلمانان میانمار از سوی بودائیان افراطی که از حمایت دولت برخوردارند اعمال می‌شود. (روستایی و آرش پور، ۱۳۹۶: ۱۰۸۸) آیین بودائی یکی از ادیان بزرگ جهان بوده که مجموعه‌ای از اصول اخلاقی و فلسفی را در خود جای دارد. (جعفری، ۱۳۹۲: ۶۸) این آئین هر چند شباهت‌هایی را با سایر ادیان و همین‌طور دین اسلام دارد (ارسنجانی، ۱۴۰۰: ۷۱) ولی با این حال قابل مقایسه با دین اسلام نیست چون دین اسلام دینی آسمانی (افضلی، ۱۳۹۴: ۷۲) و کامل‌کننده ادیان الهی می‌باشد. گسترش سریع دین اسلام و افزایش آمار مسلمانان در میانمار، باعث شد تا موجودیت بودائیان تزلزل یابد. چون در نظر آنان، چیزی که حقیقت دارد تعالیم بودا است نه خداوند، در حالی که نزد مسلمانان والاترین حق، خداوند متعال است. (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۲۷) مسلمانان میانمار از قرن‌ها قبل در سرزمین میانمار سکونت داشته‌اند و در کنار سایر ادیان از جمله بودائیان زندگی کرده‌اند اما با به قدرت رسیدن بودائیان و در نتیجه افزایش مسلمانان و احساس خطر موجودیت بودائیان اقدامات نسل‌کشی و جنایت‌های علیه بشریت و نقض فاحش حقوق اولیه آنان اتفاق افتاده است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹)، این اختلاف‌مبنایی باعث بروز تشنج، در نتیجه احساس خطر بودائیان و اعمال خسونت‌های بی‌شماری علیه مسلمانان گردید.

جنایت‌های علیه بشریت سابقه‌ای به درازای عمر بشر دارد (زمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۳) ولی با این حال پیش از جنگ جهانی دوم در حقوق بین‌المللی سخنی از آن در میان نبود. (بیگ‌زاده و میرزاده، ۱۳۹۴: ۵۲) این واژه به طور جسته و گریخته از قرن‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت ولی در شکل فعلی آن در سال ۱۹۱۵ به کار رفت. این جنایت اولین بار در منشور نورنبرگ به عنوان یک جنایت تبیین و در قالب یک سند بین‌المللی تعریف شد. (سلیمی و کاشان، ۱۳۹۳: ۶) جنایت علیه بشریت بخشی از قواعد آمره بین‌المللی بوده و قوانین ابطال‌ناپذیر حقوق

بین‌الملل را شکل می‌دهد. (سجاد پور و ملکی، ۱۳۹۸: ۱۱) این جنایت توسط یک دولت و یا سازمان‌هایی که دسترسی به قدرت سیاسی دارند طراحی و به صورت یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد هر جمعیت غیر نظامی ارتکاب می‌یابد. (میر وحیدی و فخار حسینی، ۱۳۹۶: ۱۳) جنایت‌های علیه بشریت یکی از جنایت‌هایی است که دولت میانمار علیه مسلمانان مرتکب آن می‌شود، می‌توان قاطعانه گفت جنایت علیه بشریت تبعید و انتقال اجباری مسلمانان میانمار به صورت گسترده صورت گرفته است و منجر به تغییر آرایش قومی ایالت آرکان در کشور میانمار شده است (روستایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۸).

۵- جلوه‌های جنایت‌های علیه بشریت در حقوق کیفری میانمار

مصادیق مذکور در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه که با اجماع مجموعه‌ای از شرایط دیگر عنوان «جنایت علیه بشریت» را یافته است، در قانون مجازات کشور میانمار عنوان مجرمانه مستقلی دارد و مجازات مخصوص خود را دارد.

۱-۵- قتل عمدی

در بند (۱) ماده ۲۹۹ قانون مجازات میانمار قتل عمدی چنین تعریف شده: «هر کس با انجام عملی به قصد ایراد صدمه بدنی که احتمال مرگ را دارد باعث مرگ شود مرتکب جرم قتل عمدی شده است» بند (۲) ماده ۲۹۹ نیز بیان نموده: «هر کس با انجام عملی به قصد ایجاد مرگ یا به قصد ایجاد صدمه بدنی که در واقع در طبیعت عادی برای ایجاد مرگ کافی است، باعث مرگ شود مرتکب جرم قتل عمدی شده است و در ماده ۳۰۰ قانون میانمار مجازات قتل عمدی چنین تعریف شده: «قتل مقصر با ایجاد مرگ شخصی غیر شخصی که مرگ او بوده است.» (مواد ۲۹۹ و ۳۰۰، قانون مجازات میانمار).

۲-۵- تجاوز جنسی

در ماده ۳۷۵ قانون مجازات میانمار تجاوز جنسی چنین بیان شده: «هرگاه مردی مرتکب تجاوز جنسی به استثنای موارد بعدی شود تحت شرایطی تحت هر یک از پنج توصیف زیر قرار گیرد و با زنی آمیزش جنسی داشته باشد:

اول: برخلاف میل او

دوم: بدون رضایت او

سوم: با رضایت او، زمانی که رضایت ناشی از ترساندن او از مرگ یا صدمه حاصل شده باشد چهارم: با رضایت او وقتی که مرد بداند که شوهرش نیست و رضایت او به این دلیل است که او مرد دیگری است که با او است یا خودش عقد شرعی دارد. پنجم: با رضایت یا بدون رضایت او زمانی که زن زیر چهارده سال سن دارد. و اینکه دخول برای ایجاد رابطه جنسی کافی است.»

مجازات تجاوز جنسی در ماده ۳۷۶ قانون مجازات میانمار چنین تصریح شده: «هر کس مرتکب تجاوز به عنف شود به حبس مادام‌العمر محکوم می‌شود و همچنین مستوجب جزای نقدی است مگر اینکه زن مورد تجاوز همیر خود او باشد و کمتر از دوازده سال سن نداشته باشد در غیر اینصورت به حبس تا دو سال یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.»

۳-۵- شکنجه

شکنجه در غالب نظام‌های حقوقی به هر علتی مذموم و ناپسند است هر چند این جرم بیشتر توسط مقامات دولتی و انتظامی اتفاق می‌افتد اما ممکن است توسط اشخاص به اهداف مختلف رخ دهد، در بند (A) ماده ۳۳۰ قانون مجازات میانمار بخش صدمه به اعضا، چنین تصریح شده: «A افسر پلیس Z را شکنجه می‌کند تا او را وادار به اعتراف کند.» در بند (b) ماده ۳۳۰ قانون مذکور گفته شده: «A افسر پلیس B را شکنجه می‌کند تا او را وادار کند که نشان دهد برخی اموال مسروقه سپرده شده است سپرده شده.» در بند (C) ماده مذکور نیز اشاره شده: «A افسر درامد پلیس Z را شکنجه می‌کند تا او را وادار به پرداخت معوقات کند.» و در بند D ماده مذکور اشاره به شکنجه توسط اشخاص عادی دارد که در قانون میانمار شکنجه توسط عامه مردم جرم‌انگار شده که مطابق این بند اشاره شده: «صاحب‌خانه مستاجری را شکنجه می‌کند تا او را وادار به پرداخت اجاره اش کند.» اما در اول فصل مذکور اشاره و در صدر ماده ۳۳۰ اشاره به مجازات مرتکب جرم مذکور شده: «هر کس مرتکب هر یک از اعمال گردد به حبس تا هفت سال محکوم می‌شود و همچنین به جزای نقدی نیز محکوم خواهد شد.»

۴-۵- حبس کردن

در قانون میانمار از حبس یا بازداشت غیر قانونی در بخشی تحت عنوان مهار نادرست یا حبس نادرست اشاره دارد، در ماده ۳۳۹ راجع به مهار نادرست چنین اشاره شده: «هرکس با اختیار مانع کسی شود تا با اختیار مانع حرکت او به هر سمتی شود که آن شخص حق حرکت به آن سمت را

دارد، گفته می‌شود که مرتکب بازداشت ناحق شده است.» در مواد ۳۴۲ تا ۳۴۶ به بازداشت غیر قانونی بر اساس تعداد روزهای بازداشت پرداخته که شدیدترین آن ماده ۳۳۴ است که چنین بیان شده: «هر کس به ناحق شخصی را ده روز یا بیشتر از ده روز حبس کند به حبس تا سه سال و همچنین جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

همان طور که ذکر شده در اساسنامه دیوان، مجازات اعدام و شلاق پیش‌بینی نشده است، در حالی که در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات مقرر برای بسیاری از جرائم ذکر شده در اساسنامه اعدام یا شلاق است. به عنوان مثال مجازات قتل نفس، قصاص و اعدام است و مجازات بسیاری دیگر از جرائم در اسلام در قالب «حد» و «تعزیر» شلاق است اما در حقوق میانمار نیز برای مصادیق آن قتل و مجازات حبس مشخص شده است.

با توجه به مفاد اساسنامه دیوان، کشورها موظف به همکاری و معاضدت با دیوان هستند و این همکاری و معاضدت ممکن است به صورت تحویل یک تبعه ملی به دیوان یا اجرای یک رأی صادره باشد. حال اگر رأی صادره و مجازات مقرر شده مطابق با قوانین اسلام و جمهوری اسلامی ایران نباشد، اجرای رأی صادره به خصوص اگر در مورد تبعه ایرانی باشد، به لحاظ فقهی و قانونی چگونه توجیه می‌گردد؟ آیا این موارد نقض قوانین اسلامی و ملی است؟ تحویل یک تبعه ایران و مسلمان به یک نهاد بین‌المللی و غیر ملی چه توجیهی دارد؟ اگر در قالب رسیدگی مقدماتی در ایران مجازات «شلاق» مورد حکم قرار گیرد وضعیت چگونه خواهد بود؟ یا اگر قاضی صادرکننده رأی در دیوان زن باشد، رأی صادره چگونه پذیرش و اجرا خواهد شد؟ همه این‌ها ابهامات و مسائلی است که به عنوان تعارض مفاد اساسنامه با قوانین اسلام و جمهوری اسلامی ایران مطرح و موجب گردیده که پاره‌ای از حقوقدانان و فقها به عدم عضویت ایران در دیوان اعتقاد داشته باشند. لذا لازم است هر یک از سؤالات و ابهامات فوق به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. قبل از پاسخ به سؤالات فوق ذکر این نکته ضروری است که در اساسنامه دیوان راهکارهایی پیش‌بینی شده که احتمال وقوع حالات مزبور را بسیار کم می‌کند. لذا ابتدا این راهکارها را مورد مطالعه قرار داده، آنگاه پاسخ سؤالات مذکور را مطرح می‌کنیم.

۶- جلوه‌های جنایت‌های علیه بشریت در حقوق کیفری ایران

مصادیق مذکور در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه که با اجماع مجموعه‌ای از شرایط دیگر عنوان «جنایت علیه بشریت» را یافته است، در قانون جزا عنوان مجرمانه مستقلاً دارد و مجازات مخصوص خود را دارد در بخش حدود و دیات قانون مجازات اسلامی، تعدی به جسم افراد جرم محسوب و هر

نوع تجاوزی مجازات مختص به خود را دارد و مواد ۶۳۷ تا ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده نیز هرگونه رابطه نامشروع جنسی به ویژه تجاوز به عنف و سایر اعمال منافی عفت عمومی را جرم دانسته و برای آن مجازات‌های خاصی را مقرر کرده‌اند. همچنین به موجب قانون اساسی هرگونه شکنجه ممنوع است و ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی تصریح می‌نماید که: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی چنانچه برای این که متهمی را مجبور به اقرار کنند او را اذیت و آزار بدنی نمایند، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌گردد...». توقیف غیر قانونی و آدم‌ربایی نیز در ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مورد جرم‌انگاری گرفته است. بنابراین هر یک از مصادیق جرم جنایت بر ضد بشریت به صورت مجزا و مستقلاً مذموم و ناپسند بوده، به عنوان «جرم» مستحق مجازات است، اما در ماده ۷ اساسنامه دیوان، چنانچه چند عمل از اعمال مذکور در قالب حمله گسترده و سازمان یافته و برای اجرای یک سیاست خاص بر ضد یک جمعیت غیر نظامی صورت گیرد، عنوان «جنایت بر ضد بشریت» را خواهد داشت. بدیهی است که در قانون مجازات اسلامی جرمی تحت عنوان «جنایت بر ضد بشریت» وجود ندارد و در واقع می‌توان گفت همه جرائم به نوعی بر ضد بشریت هستند.

برخی از جرائم، خاص «جامعه بین‌المللی» است و امکان وقوع آن‌ها در جوامع داخلی وجود ندارد، بنابراین در قانون مجازات ایران قانونگذاران به طور مستقل جنایت‌های علیه بشریت را در قوانین موضوعه جرم‌انگاری نکرده است، ولی جرایمی که می‌تواند از جمله جنایت‌های علیه بشریت باشد در قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است و برخی مصادیق جنایت‌های علیه بشریت محسوب می‌شود. که جرم عمومی به شمار می‌روند بسیار از رفتارهای مجرمانه مانند قتل، تجاوز جنسی، حبس کردن، شکنجه، (سلیتی، ۱۳۹۳: ۶-۵) بنابراین می‌توان بیان داشت که نگاه قوانین کیفری ایران، داخلی و درونی است، هدف این قوانین در حقیقت حفظ انسجام و نظم و امنیت داخلی بوده و جرایم پیش‌بینی شده از جمله جرایمی به شمار می‌روند که اصولاً علیه اشخاص واقع می‌شود، لذا نتیجه می‌گیریم که این اعمال جنایت‌کارانه در تعریف جنایت‌های علیه بشریت شامل نشده و جایگاهی ندارد، چون تمرکز بر داخل داشته و بیشتر آن، از مصادیق جرایم علیه اشخاص، امنیت داخلی و حاکمیت و آسایش عمومی می‌باشد (سعادت، ۱۳۸۹: ۶۲۶-۶۲۹) اما لاجرم اقدام قانونگذار این بوده که مطابق قوانین داخلی، ایران یکی از اعضای اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری بوده لذا با عنایت به عضویت ایران، اساسنامه به عنوان قانون عادی محسوب شده و مواد اساسنامه مذکور را قابلیت اجرایی در قلمرو سرزمینی ایران را دارد، ولی

مجازات آن با مجازات تعینی در قانون ایران یکی نیست، لذا اگر دادگاه با صلاحیت کشور ایران بخواهد مرتکبان جنایت نسل‌کشی را مجازات کند مطابق کدام قانون و چه نوع مجازاتی برای آن صادر خواهد نمود، پاسخ این سؤال در چنین شرایطی دشوار خواهد بود (اردبیلی و همکاران، ۱۳۸۵: ۹-۲).

۷- ارکان جنایت‌های علیه بشریت در حقوق کیفری ایران و میانمار

ارکان جنایت‌های علیه بشریت در سطح ملی و بین‌المللی مشخص کننده حوزه کاربردی صلاحیت‌های رسیدگی به جنایت‌های علیه بشریت می‌باشد. بر این اساس سه رکن اساسی جنایت‌های علیه بشریت را در حقوق کیفری ایران و میانمار مقایسه و بررسی می‌کنیم.

۷-۱- رکن قانونی جنایت‌های علیه بشریت

با عنایت به پذیرش اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری توسط کشور ایران ابتدا باید رکن قانونی جنایت‌های علیه بشریت در عرصه بین‌المللی مشخص گردد لذا در سطح بین‌المللی می‌توان اسنادی مثل اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، اساسنامه دادگاه نورنبرگ و توکیو، و... را از جمله ارکان قانونی جنایت‌های علیه بشریت در سطح ملی و بین‌المللی به شمار آورد با عنایت به اینکه جنایت علیه بشریت در حقوق کیفری ایران به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده است، لذا فقط می‌توان رکن قانونی جنایت‌های علیه بشریت را با عنایت به ماده ۹ قانون مدنی که تصریح نموده: «مقررات و عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.» بیان نمود. (صادقی، ۱۳۹۲: ۶۹۹-۶۲۱)، عنصر قانونی جنایت‌های علیه بشریت در حقوق کیفری میانمار به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده است اما قانونگذار میانمار در قانون مجازات مصادیق جنایت‌های علیه بشریت به شرحی که گذشت را مشخص کرده است.

۷-۲- رکن مادی جنایت‌های علیه بشریت

عنصر مادی جنایت‌های علیه بشریت شامل: قتل، شکنجه، حبس، تجاوز جنسی به بردگی گرفتن، کوچ اجباری، عقیم سازی اجباری دیگر اقدامات ذکر شده در ماده ۷ اساسنامه می‌باشد و یکی از شرایط تحقق جنایت علیه بشریت لزوم وجود یک حمله گسترده یا سازمان یافته می‌باشد

(مومنی، ۱۳۹۹:۱۲۹) هر فعل و ترک فعلی که منجر به نقض قواعد و مقررات ملی و بین‌المللی گردد در واقع رکن مادی جرم اتفاق افتاده است (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۴۰).
در قانون مجازات ایران به صورت کلی آمده است که عنصر مادی جرم نه تنها با فعل مثبت بلکه با ترک فعل و یا فعل منفی نیز می‌تواند اتفاق بیافتد. لذا هرگاه رفتار مرتکب علیه بشریت شرایط قانونی را داشته باشد می‌توان گفت که رکن مادی جنایت‌های علیه بشریت واقع شده است. در حقوق کیفری میانمار نیز رکن مادی جرایم ارتكابی مصادیق جنایت‌های علیه بشریت غالب به صورت فعل تحقق پیدا می‌کنند.

۷-۳- رکن معنوی جنایت‌های علیه بشریت

برای تحقق رکن معنوی جنایت‌های علیه بشریت اولاً لازم است مرتکب یکی از مصادیق گفته شده در بند (۱) ماده ۷ را با علم به وجود یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته نسبت به یک جمعیت غیر نظامی و ثانیاً از روی اراده انجام دهد (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۲۶۴) بنابراین در حقوق کیفری ایران رکن معنوی جنایت‌های علیه بشریت نیاز به تحقق دارد یعنی فرد با سوءنیت مرتکب جرم شده باشد و در حقوق کیفری میانمار جهت تحقق مصادیق جنایت‌های علیه بشریت پذیرفته شده است. عنصر روانی در بیشتر جرایم یکسان می‌باشد، در واقع عنصر روانی فعل و انفعالات ذهنی مرتکب جهت انجام عمل مجرمانه می‌باشد، و مکمل وقوع جرم عنصر مادی جرم می‌باشد و این عنصر است که مشخص می‌کند مرتکب باید مجازات شود یا خیر، (کریمی و هاشمی، ۱۳۹۸: ۵) بر این اساس در جنایت‌های علیه بشریت می‌توان گفت که آیا مرتکب رفتار مجرمانه را می‌خواسته است انجام دهد یا خیر.

۸- لزوم جرم‌انگاری جنایت‌های علیه بشریت با استناد به قواعد فقهیه

جنایت‌های علیه بشریت، جنایت‌های علیه حقوق بشر بین‌المللی بوده و جز آن دسته جرایمی است که خسارات جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد و لزوم همکاری تمامی کشورها را در جلوگیری از ارتکاب چنین جنایت‌هایی را می‌طلبد، با این اوصاف قوانین کیفری ایران راجع به جنایت‌های علیه بشریت جرم‌انگاری مستقلی را انجام نداده و جهت مجازات مرتکبین جنایت‌های مذکور رویه خاصی در مجازات وجود ندارد، هر چند مطابق ماده (۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اصل صلاحیت جهانی پذیرفته شده است که به صراحت ماده مذکور: «مرتکبین جرایمی که به موجب قوانین خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان

کشور محاکمه می‌شود، و اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی ایران محاکمه و مجازات می‌شود» بنابراین ماده موصوف بیانگر صلاحیت رسیدگی محاکم ایران به جنایات بین‌المللی است اما تا کنون در قوانین کیفری ایران جرمی تحت عنوان جنایت علیه بشریت پیش‌بینی نشده است و علی‌رغم همکاری‌های بین‌المللی در مقابله با مرتکبین، قانونگذاران کشور ایران نیز جهت ایجاد رویه واحد و گسترش همکاری‌های بین‌المللی و برخورد قاطع با جرایم مذکور نیازمند جرم‌انگاری مستقل جنایت‌های علیه بشریت می‌باشند (اردبیلی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۱).

از نظر حقوق‌دانان کیفری، امروزه یکی از ملاک‌های صلاحیت محاکمه جنایات بین‌المللی این است که حقوق کیفری داخلی کشورها، اقدام به تصویب قوانین و جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی مندرج در ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) نمایند (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۴۶). جرم‌انگاری جنایت علیه بشریت و سایر جنایات بین‌المللی از سوی مقنن ایرانی با عنایت به اینکه کشورهای زیادی این جنایت را در قوانین خود تصویب نموده، امری ضروری به نظر می‌رسد، تا بتوان بر اساس اصل قانونی بودن جرم، مرتکبین این جنایات را محاکمه و مجازات نمود.

۸-۱- قاعده لاضرر و لا ضرار فی الاسلام

یکی از مهمترین قواعدی که در تمام فقه به آن استناد می‌شود قاعده لاضرر است، این قاعده به عنوان اصلی کلی در اسلام شناخته شده است. اصلی که برای پیشگیری از ضرر به دیگران و جبران خسارات ناشی از آن ضرر بوده که مبنایی مهم برای تصویب قوانین به شماره می‌رود (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۷). چرا که طبق این قاعده نمی‌توان ضرری را به دیگران متحمل کرد (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۷) در اهمیت این قاعده همین بس که آیات و روایات فراوانی بر نفی ضرر دلالت داشته (نقیبی، ۱۳۹۰: ۱۴) به گونه‌ای که هیچ‌جایی برای شک و شبهه و اختلاف در حجیت آن وجود ندارد (شیخ‌الاسلامی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۹) که به عنوان تکمیل‌کننده نصوص شرعی بوده و احکام فراوانی از آن متفرع شده (عبداللهی، ۱۳۹۸: ۱۱۳) این قاعده، از مسلمات فقهی و مبتنی بر حدیث نفی ضرر و ضرار است (عراقی، ۱۴۲۰: ۳۰۱) و در واقع بیان‌کننده این واقعیت است که در اسلام ضرر تأیید نشده است (هادوی‌نیا، ۱۳۹۹: ۹۱) طبق این قاعده می‌توان احکام ضرری را رفع کرد (یثربی و محمودی، ۱۳۹۷: ۱۰۵) در رابطه یا جنایت‌های صورت گرفته در میانمار و با توجه به اینکه جنایت‌های از نوع اضرار عمومی تلقی می‌شوند و با توجه به متن قاعده لاضرر، هرگونه خسارت و زیانی از نگاه شرع قابل

قبول نبوده و شرعی نمی‌باشد، بنابراین آن دسته از جرایمی که ضررهای فراوانی برای بشریت دارند، به وضوح مشمول این قاعده نمی‌باشند. بنابراین با توجه به اینکه این قاعده در حوزه جرم‌شناسی کیفری می‌باشد و زمانی که به واسطه نبود قانونی، ضرری بر جامعه وارد شود می‌توان به استناد این قاعده حکم شرعی مورد نیاز را استنباط و در اختیار مقامات قانون‌گذاری قرار داد و در این وهله نیز وظیفه قوه مقننه، جرم‌انگاری بر اساس حکم شرعی استنباط شده و رهانندن جامعه از چنین جرایمی می‌باشد، چرا که این قاعده در مواردی که فعلی مورد زیان باشد می‌تواند چاره ساز باشد.

۸-۲- قاعده نفی سییل

فقه‌های اسلام با استناد به منابع و متون فقهی، قواعد فقهی زیادی را عرضه داده‌اند که در ابواب متعدد فقهی کاربرد داشته است، قاعده‌هایی که پویابخش بوده و فقیه را در رسیدن به پاسخ یاری می‌دهند، از جمله آن قواعد «قاعده نفی سییل» است (متوسل آرانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۲) این قاعده، مانند قاعده لاضرر و لاضرار بر عمده قواعد حکومت داشته (نصر اصفهانی، ۱۳۹۸: ۸۴) و از ارکان حقوق بین‌الملل اسلامی به شمار می‌رود. (اندرزگو و نواده توپچی، ۱۴۰۰: ۸۴) ادله حجیت این قاعده کتاب، سنت، و اجماع می‌باشد (فرید و همکاران، ۱۳۹۹: ۴) ولی اصلی‌ترین دلیل (علیدوست، ۱۳۸۳: ۲۳۱) و مستنبط آن، آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سِيبًا» (شکاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱) و حدیث نبوی می‌باشد. (احمدوند و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۵) آیه فوق ناظر بر مقام تشریح بوده و نتیجه آن نفی هرگونه ظلم و ستمی است که بستر تسلط کفار بر مسلمانان را فراهم می‌کند. (علوی وثوقی، ۱۳۹۶: ۱۵۱) طبق این آیه، خداوند هیچگونه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را قبول ندارد. این اصل در روابط خارجی دولت‌ها با بیگانگان بوده و نفی ظلم و ستم بر مسلمانان، حفظ استقلال و نفی وابستگی به بیگانگان، اصل و اساس این قاعده می‌باشد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۷) یعنی در جامعه اسلامی نباید هیچ‌گونه اجازه‌ای مبنی بر غلبه کفار بر مسلمانان داده شود. (کرم‌زاده و فیض، ۱۳۹۸: ۹۰) پس کفار در هیچ زمینه‌ای به لحاظ شرعی نمی‌توانند بر مسلمین مسلط شوند. (میری رستمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۶) طبق مفاد قاعده نفی سییل، ضرورت جرم‌انگاری جنایت‌های ارتكابی در میانمار که مستمسکی برای تسلط و نفوذ کافران بر کشورهای اسلامی می‌باشد، و بنابر این اصل که سلطه و چیرگی دشمنان بر دولت‌های اسلامی امری ناروا می‌باشد، از اهم واجبات می‌باشد، به خاطر اینکه حفظ استقلال و کیان اسلام و دولت‌های اسلامی از الزامات این قاعده فقهی بوده و

تسلط کافران بر مسلمانان طبق این اصل در هر زمینه‌ای ممنوع بوده ولی در مقابل، حفظ و صیانت از اسلام و دولت‌های اسلامی نیز امری ضروری می‌باشد. بنابراین لازم و واجب است که دولت‌های اسلامی نسبت به جرم‌انگاری آن اقدام تا راه نفوذ و تسلط کفار بر سرزمین‌های مسلمانان بسته شود.

۸-۳- قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

این قاعده از قواعد عقلی بوده و طبق مضمون آن، عقل به دفع ضررهای محتمل و حتی مظنون حکم می‌دهد، بنابراین اگر انسان درباره چیزی حتی احتمال ضرر بدهد دفع آن ضرر عقلاً بر او واجب می‌باشد (نظامی پول و دشتی اردکانی، ۱۳۹۴: ۲۳) همانگونه که دفع ضرر مظنون، از نظر عقلی واجب است (محمدی و بشکار، ۱۴۰۰: ۱۶) و اگر این دفع ضرر، ترک شود این احتمال وجود دارد که ملت‌ها دچار زیان شوند (مغزی نجف‌آبادی و نظری توکلی، ۱۳۹۶: ۱۰۶) و فرقی نمی‌کند که این ضررها مادی باشند یا معنوی یا دنیوی یا اخروی. (طباطبایی و لیالی، ۱۳۹۷: ۱۰۵) منظور از «وجوب» در ظاهر قاعده، همان «لازم» (احسانی‌فر، ۱۳۹۹: ۱۴۸) و منظور از «متحمل» تمامی ضررهایی را که شامل ضرر بر جان، عقل، نسل، دین و حکومت می‌باشد را در بر می‌گیرد (عراقی، ۱۳۸۸: ۲۲۱) بنابراین موضوع، این قاعده، زمانی است که احتمال ضرر داده شود (لطفی، ۱۳۹۱: ۲۰۶) پس طبق این قاعده فقهی، هیچ‌کدام از دولت‌ها بر اساس تعهدات حقوق بشری خود جایز نیستند به دولت‌های دیگر ضرر بزنند. (جوان‌آراسته و رحمانی، ۱۴۰۰: ۷) طبق ظاهر این قاعده، که در آن کلمه وجوب، وجود دارد، و از طرفی نیز به ضرر محتمل اشاره شده است و ضرر محتمل نیز تمامی ضررهای احتمالی را شامل می‌شود، بنابراین ضرورت جرم‌انگاری جنایت‌های ارتكابی در میانمار در این قاعده بیش از سایر قواعد رخ می‌نماید.

نتیجه‌گیری

جنایت‌های علیه بشریت در قوانین کیفری میانمار پیش‌بینی نشده است. از طرفی دولت میانمار اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری را نپذیرفته و عضو دیوان نمی‌باشد و به نوعی می‌توان گفت جنایت‌های علیه بشریت در حقوق کیفری میانمار جایگاهی ندارد و به طور مستقل پیش‌بینی نشده است، اما در قانون میانمار مصادیق جنایت‌های علیه بشریت مانند: قتل، تجاوز جنسی، شکنجه، حبس غیر قانونی پیش‌بینی شده و دارای مجازات خاص خود می‌باشد. بنابراین شایسته است که دولت میانمار مجازات جنایت‌های علیه بشریت را در قوانین خود پیش‌بینی کند و یا

لااقل اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری را بپذیرد، بنابراین عدم پیش‌بینی جنایت‌های علیه بشریت در قانون میانمار یک خلاء بزرگ محسوب می‌شود، و همچنین در حقوق جزای ایران به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده و شایسته است قانون جزای داخلی با حقوق بین‌الملل هماهنگ شده و قانونگذاران ایران جنایت‌های علیه بشریت را در حقوق کیفری با استناد به قواعد فقهیه به صورت مستقل جرم‌انگاری نمایند چرا که یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت قتل است که در قانون ایران مجازات آن قصاص نفس می‌باشد اما مجازات همین عمل ارتكابی در ماده ۷۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی حبس تا ۳۰ سال و حبس ابد می‌باشد که با قانون ایران در مجازات تفاوت فاحشی دارد، و قانونگذاران میانمار نیز علی‌رغم عدم پیش‌بینی جرم مذکور در قوانین کیفری خود متأسفانه اساسنامه دیوان را نیز نپذیرفته‌اند، لکن دادگاه بین‌المللی کیفری می‌تواند بر اساس صلاحیت تکمیلی مرتکبان جنایت‌های علیه بشریت را مورد تعقیب، رسیدگی و مجازات قرار دهد.

پیشنهادها

- لازم است که قانونگذاران کشور ایران جنایت‌های علیه بشریت را با استناد به قواعد فقهیه در قوانین داخلی مورد جرم‌انگاری قرار دهند چرا که در صورت وقوع جرم علیه بشریت در ایران مجازات آن مشخص نیست و بر اساس قوانین داخلی مجازات قتل قصاص است اما بر اساس اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری مجازات قتل حبس است و این مجازات‌ها در تعارض هستند و پیش‌بینی این جنایت‌ها رویه واحدی در نحوه ی مجازات مرتکبان ایجاد می‌کند.

- دولت میانمار هم به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بپیوندد و هم جنایت‌های علیه بشریت را در قوانین خود جرم‌انگاری و مجازات آن را مشخص نماید.

- با عنایت به عدم مجازات مرتکبان جنایت‌های علیه بشریت در دولت میانمار، و با عنایت به بی‌کیفر ماندن مسببین این جنایت‌های، دادگاه بین‌المللی کیفری از صلاحیت تکمیلی خود جهت تعقیب و مجازات مرتکبان استفاده نماید.

منابع و مأخذ

ارسنجانی، حمیرا (۱۴۰۰). «تاملی بر معنای ایمان در آئین بودا». فصلنامه الهیات تطبیقی، دوره

۱۲، شماره ۲۵

- افضلی، عبدالرئوف (۱۳۹۴). «اسلام دین رهایی بخش». پژوهشنامه معرف قرآنی، دوره ۵، شماره ۱۷
- بیگ زاده، ابراهیم؛ میرزاده، منا (۱۳۹۴). «مقایسه شدت جرم و مجازات جنایت‌های علیه بشریت و جنایت‌های جنگی». نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۱
- بیگی، جمال؛ پورقهرمانی، بابک؛ رحمتی ترکاشوند، سجاد (۱۴۰۱). «مطالعه فقهی حقوقی جنایت‌های ارتكابی در میانمار». فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱
- بیگی، جمال؛ تیموری، مهرداد (۱۴۰۰). «نگاهی بر نسل‌زدایی فرهنگی به مثابه جنایت بین‌المللی». فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۱۲، شماره ۴۷
- جعفری، حسین علی (۱۳۹۲). «زن، خانواده و ازدواج در آیین بودا». فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، دوره ۴، شماره ۴
- دانش شهرکی، محمد رضا؛ مردانی، نادر (۱۳۹۸). «ماهیت حقوقی جنایت‌های ارتكابی بر مسلمانان فراموش شده میانمار». دو فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۶
- داودی، مهدی؛ ابوذری، مهرنوش (۱۳۹۷). «نسل‌کشی در میانمار از منظر حقوق بشر و حقوق بین‌الملل». مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۱۴
- ربیعی، علی (اسفند ۱۳۸۲). «امنیت ملی، مفهومی در حال تکوین». نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۷ و ۱۹۸
- روستائی، علیرضا؛ آرش‌پور، علیرضا (۱۳۹۶). «تحلیل حقوقی خشونت علیه مسلمانان میانمار به‌مثابه جنایت نسل‌زدایی». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۴۷
- زمانی، دکتر سیدقاسم؛ فرحی، حسین؛ شهبازی، دکتر آرامش (۱۳۹۵). «تحریم‌های یک جانبه علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل کیفری: جنایت علیه بشریت». نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۷
- سجادپور، سید محمدکاظم؛ ملکی، علی‌اکبر (۱۳۹۸). «شورای حقوق بشر و جنایت‌های بین‌المللی در بحران سوریه». فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۳، شماره ۳
- سلیمی، صادق؛ کاشان، حبیب (۱۳۹۳). «بررسی انطباق اقدامات رژیم اسرائیل بر مصادیق جنایت علیه بشریت در سرزمین‌های اشغالی». تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۷، شماره ۲۴

سید زاده ثانی، سید مهدی؛ فرهادی، آلاشتی، زهرا (۱۳۹۳). «تمایز میان جنایت‌های جنگی در منازعات بین‌المللی و داخلی: مصادیق و مبانی». *پژوهش نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، دوره ۳، شماره ۱

شمس، سید محمودرضا، نصیر زاده، عزیز، میر سمیعی، سید محمد (بهار ۱۳۹۷). «تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». *فصل‌نامه امنیت ملی*، سال ۸، شماره ۲۷

عسکری، پوریا؛ مسعودی کوشک، حمید (۱۳۹۷). «تخریب میراث فرهنگی سوریه توسط داعش و راهکارهای مقابله با آن در حقوق بین‌الملل». *فصلنامه حقوق بین‌المللی*، دوره ۳۵، شماره ۵۸

عیوضی، محمدرحیم (تابستان ۱۳۸۲). «جهانی‌شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی». *نشریه اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۶

قریشی، سید مهدی؛ نیکخواه سرنقی، رضا؛ محسنی، روح اله (۱۳۹۷). «نقض حقوق بشر در خصوص مسلمانان میانمار با تأکید بر کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی (ژنوساید)». *همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*

میر وحیدی، وحید؛ فخارحسینی، مینا (۱۳۹۰). «بررسی جنایت‌های علیه بشریت و دادگاه‌های صالح به رسیدگی». *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و مهندسی*

همیلتون، ملکم (۱۳۸۷). «جامعه‌شناسی دین». *ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث*

مندل، رابرت (۱۳۷۹). «چهره متغیر امنیت ملی». *تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی*

میر عرب، مهرداد؛ سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۷۹). «نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت». *مجله علوم سیاسی*، شماره ۹

بوزان، بری؛ ویول، اوری؛ دی وایلد، پاپ (۱۳۸۶). «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت». *ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی*

ذوالفقاری، مهدی؛ عمرانی، ابوذر (۱۳۹۶). «تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲

رحمتی، علی (۱۳۹۸). «دادگاه‌های کیفری مختلط و نقش آنها در مقابله با بی‌کیفری». *رساله مقطع حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*.

جمشیدی، علیرضا؛ شیروود بزرگی، مجتبی (۱۴۰۰). «حقوق کیفری تضمین‌گر در دولت حداقلی؛ چالش‌ها و راهبردها». *مجله پژوهش‌های حقوق کیفری و جرم‌شناسی*.

- ساعده، امیر، (۱۳۸۷). «جنایت‌های علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر». *مجله حقوق بین المللی* شماره ۳۹، صفحه ۵۹-۱۰۰.
- قریشی، مهدی (۱۳۹۷). «نقض حقوق بشر در خصوص مسلمانان میانمار با تأکید بر کنواسیون منع مجازات و کشتار دسته جمعی». *دانشگاه تهران، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت در جمهوری اسلامی ایران*
- بزرگمهری، مجید؛ جان نثارملکوتی، حمید (۱۳۹۵). «عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل نسبت به اسرائیل». *فصل نامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۹، شماره ۱
- بزرگمهری، مجید؛ کیارستمی، مهسا (۱۳۹۶). «نقض حقوق بشر به واسطه ی اقدامات تروریستی و سازوکار مبارزه با آن». *نشریه سیاست جهانی*، شماره ۱۹
- روستایی، علیرضا؛ آرش پور، علیرضا (۱۳۹۵). «پاکسازی قومی مسلمانان میانمار؛ جنایت علیه بشر یا نسل‌زدایی؟». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، شماره ۱۵
- نجات، سیدعلی؛ جعفری، اصغر (۱۳۹۲). «جایگاه و نقش جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی*، سال سوم، شماره ۸
- زمانی، سید قاسم؛ حسینی اکبرنژاد، هاله (۱۳۸۸). «اصل صلاحیت جهانی در آینه دیوان کیفری بین المللی». *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۱۱، شماره ۲۶
- شفیعی، نوذر؛ سلیمی، رویا (۱۳۸۹). «تبیین عملکرد سازمان ملل متحد در قبال نسل کشی در میانمار». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال نهم، شماره اول
- حیدر قلی زاده، جعفر؛ بیگی، جمال (۱۳۹۶). «دگردیسی تروریسم از منظر حقوق بین الملل». *مجله مطالعات حقوق بشر اسلامی*، سال ششم، شماره ۱۲
- اردبیلی محمد علی؛ حبیب زاده، محمدجعفر و فخرناب، حسین (۱۳۸۵). «نسل کشی و ضرورت جرم انگاری آن در حقوق ایران». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۰(۳): ۱-۲۵.
- ازغندی، علیرضا و روشندل، جلیل (۱۳۷۸). «مسائل نظامی و استراتژیک معاصر». تهران: انتشارات سمت.
- بیگلری، پویان و همکاران (۱۳۹۵). «بررسی عنصر روانی در حقوق کیفری بین‌المللی». *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل*، ۹(۳۴): ۵۳-۸۱.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۹). «حقوق جزای بین الملل». چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات جنگل.
- جوانی، جمشید (۱۳۹۳). «بررسی جنایت‌های جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی» پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

حکیمی ها، سعید و ضیایی، سیدیاسر (۱۳۹۲). «صلاحیت جهانی در جرایم جنگی از منظر حقوق ایران». *فصلنامه آفاق امنیت*، ۵(۲۱)، ۱۵۷-۱۵۸.

رستمیان، پیمان؛ حجاریان، محمدحسین؛ مودن‌زادگان، حسینعلی (۱۳۹۸). «بررسی سوءنیت در اقسام جنایت در فقه و حقوق ایران». *فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ۱۲(۴۴)، ۹۳-۱۱۹.

صادقی، میرمحمد (۱۳۸۸). «دادگاه کیفری بین‌المللی». چاپ چهارم، تهران: انتشارات دادگستر. صادقی، میرمحمد (۱۳۹۲). «جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی». چاپ بیست و چهارم، تهران: نشر میزان.

قدیر، محسن و کیخسروی، مهدی (۱۳۹۸). «جنایت جنگی و برهم کنش آن با جنایت‌های علیه بشریت و نسل‌کشی». *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۶(۸۱:۱۷-۸۰).

قیاسی، جلال‌الدین و محترم‌قلاتی، ایمان (۱۳۹۶). «تحلیل رکن محور رکن معنوی جنایت‌های عمدی در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی». *پژوهش حقوق کیفری*، ۶(۲۱): ۱۵۴-۱۹۶.

کریانگ ساک، کیتی شیایزری (۱۳۸۳). «حقوق بین‌المللی کیفری». ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی. تهران: انتشارات سمت.

هادی، سعادت (۱۳۹۷). «بررسی حقوقی قتل عام در ایران مطالعه موردی سردشت». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ارومیه: دانشگاه ارومیه*.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). «القواعد الفقهیه». چاپ سوم، قم، مدرسه امام امیرالمومنین (ع) یثربی، سید علی محمد؛ محمودی، جواد (۱۳۹۷). «اثبات حکم با قاعده لا ضرر». *پژوهش‌های*

فقهی، شماره ۱

گلی شیردار، محمدحسن؛ منتظری، صالح؛ مایلی، حامد (۱۴۰۰). «نباید‌های فقهی رسانه با تاکید بر امنیت و قاعده لا ضرر». *فصلنامه آفاق امنیت*، شماره ۵۱

عمانی، مهدی؛ بیگی، جمال؛ پور قهرمانی، بابک (۱۴۰۱). «جرم‌انگاری فعالیت‌های مجرمانه ناشی از فناوری هارپ در سنجه قواعد فقهیه». *فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین*، دوره ۲،

شماره ۸

حسن زاده، حسن؛ ادیبی مهر، محمد؛ داداش نژاد دلشاد، داوود و باقی زاده، محمد جواد (۱۳۹۸). «نقش قاعده فقهی لا ضرر در مدیریت بحران‌های محیط زیستی». *فصل‌نامه علمی، آموزش*

محیط زیست و توسعه پایدار، شماره ۳

نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۰). «قاعده لاضرر و جبران خسارت معنوی به خانواده». پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، شماره ۷

شیخ الاسلامی، محمد علی؛ قبولی درافشان، سید محمد تقی؛ فخلعی، محمد تقی (۱۴۰۰). «بررسی فقهی حکم رانت خواری با استناد به قاعده لاضرر». فصلنامه فقه و اصول، شماره

۲

عبداللهی، هرمز (۱۳۹۸). «بررسی فقهی و حقوقی قاعده لاضرر در رویه قضایی کنونی». فصلنامه بین المللی قانون یار، شماره ۹

عراقی، آقا ضیاء الدین (۱۴۲۰). «مقالات الاصول». چاپ اول، قم، مجمع الفکر الاسلامی

عراقی، آقا ضیاء الدین (۱۳۸۸) «الاجتهاد و التقليد»، قم، نوید اسلام

متوسل آرانی، محمود؛ علم الهدی، محمد حسن؛ عیسی زاده، نیکزاد و نور محمدی، غلامرضا (۱۳۹۶). «مفهوم قاعده لاضرر و کاربردهای آن در پزشکی». فصلنامه اخلاق و تاریخ

پزشکی، شماره ۱۰

نصر اصفهانی، محمد؛ معصومی نیا، غلامعلی و قائمی اصل، مهدی (۱۳۹۸). «بررسی و ارزیابی تاثیرات اقتصادی حضور بانک خارجی در جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به تجربیات کشورهای در حال گذار بر اساس قاعده نفی سبیل». فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، شماره

۱

اندرزگو، سید محمود؛ نواده توپچی، حسین (۱۴۰۰). «بررسی تضاد قاعده فقهی نفی سبیل با نظریه جهانی شدن و جهانی سازی». فصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، شماره

۴۴

فرید، امن اله؛ نیکومنش، امراله؛ بهرامی نژاد مغویه، علی (۱۳۹۳). «رابطه قاعده نفی سبیل با معاهده برجام». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۵۳

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). «قاعده نفی سبیل». مقالات و بررسی ها، شماره ۷۶

شکاری، روشنعلی؛ ملیحی، سید حمید رضا؛ ممتازنیا، محمد سعید (۱۳۹۶). «واکاوی فقهی آیه نفی سبیل و ادله هم سو و شمول آن نسبت به مناصب انتخابی در دولت مدرن». پژوهش

نامه قرآن و حدیث، شماره ۲۱

احمدوند، محسن؛ قبولی، محمد تقی؛ فخلعی، محمد تقی (۱۳۹۵). «نگرشی نو در مفاد قاعده نفی سبیل و نسبت سنجی آن با اصل عدالت در روابط بین المللی». دو فصلنامه علمی پژوهشی

کاوشی نو در فقه، شماره ۱

- علوی و وثوقی، سید یوسف (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی آیه شریفه نفی سبیل در تفاسیر فریقین». فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۳۱
- کرم زاده، سیامک؛ فیض، زهرا (۱۳۹۸). «قاعده نفی سبیل و الحاق ایران به کنوانسیون بین المللی مقابله با تامین مالی تروریسم». فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۲
- زارعی، بهادر؛ زینی‌وند، علی؛ محمدی، کیمیا (۱۳۹۳). «قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۶
- میری رستمی، سید محمد؛ سلیمی، علیرضا؛ ناظمی اشنی، محمد حسین و حسینی، سید علیرضا (۱۳۹۸). «بررسی الزامات بین المللی در مواجهه با قاعده نفی سبیل و تاثیر آن در بقاء نظام از منظر قرآن و فقه امامیه». فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۴۰
- نظامی پول، صابر؛ دشتی اردکانی، محمد رضا (۱۳۹۴). «قاعده وجوب دفع ضرر محتمل». ماهنامه قانون، شماره ۱۴۹
- محمدی، مسلم؛ بشکار، الهام (۱۴۰۰). «تحلیل روش های عقل عملی در اثبات امامت از نگاه علامه حلی با تاکید بر الالفین». فصلنامه تحقیقات کلامی، شماره ۳۲
- مغزی نجف آبادی، الهام؛ نظری توکلی، سعید (۱۳۹۶). «تبیین عقلایی و عقلانی امر به معروف و نهی از منکر». فصلنامه علمی پژوهشی کاوشی در فقه نو، شماره ۴
- طباطبایی، سید علیرضا؛ لیالی، محمد علی (۱۳۹۷). «قواعد فقهی پالایش فضای مجازی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱
- احسانی فر، احمد (۱۳۹۹). «ابعاد فقهی و حقوقی بیماری های واگیر خطرناک و سریع الانتشار از منظر قاعده وجوب دفع ضرر محتمل». فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۶۴.
- لطفی، اسدالله (۱۳۹۱). «قاعده وجوب دفع ضرر محتمل و کاربرد آن در قانون آیین دادرسی مدنی». فصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۵۹
- جوان آراسته، حسین؛ رحمانی، سمیه (۱۴۰۰). «واکای فقهی حقوقی حق بر سلامت و مسئولیت دولت در شرایط شیوع بیماری کرونا». مجله فقه پزشکی، شماره ۴۲